****

[تتمه بررسی انتهاء وقت ذبح 1](#_Toc489873705)

[کلام مرحوم تبریزی 1](#_Toc489873706)

[مناقشه 2](#_Toc489873707)

[بررسی سندی معتبره ابی بصیر 3](#_Toc489873708)

[بررسی کلام محق خویی در نسیان ذبح قبل از طواف 4](#_Toc489873709)

[(مسألة 383): وجوب مستقلی هدی بر هر شخص 6](#_Toc489873710)

[روایات داله 6](#_Toc489873711)

[قول به اجزاء یک هدی از هفت نفر 7](#_Toc489873712)

**موضوع**: ذبح /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## تتمه بررسی انتهاء وقت ذبح

### کلام مرحوم تبریزی

مرحوم تبریزی فرموده متمکن از ذبح اگر در روز عید ذبح نکند، باید در روز یازدهم یا دوازدهم ذبح کند و به روز سیزدهم تاخیر نیندازد، اما اگر تاخیر بیندازد، خلاف تکلیف عمل کرده، گرچه تا آخر ذی الحجة ذبح مجزی است، بر خلاف محقق خوئی که فرمود اگر در روز عید قربان ذبح نکند، باید در ایام تشریق ذبح کند و اگر ذبح نکند، تا آخر ذی الحجة وقت دارد.

مرحوم تبریزی به معتبره ابی بصیر که ان ایام الذبح قد مضت استدلال کرده به این تقریب که در یوم النفر، ثمن هدی را یافته است و یوم النفر از نظر عرف عام، روز سیزدهم است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم در همین روز از منی نفر فرمود، لذا روز سیزدهم داخل در ایام ذبح تکلیفا نیست، و گرنه وضعا که اشکالی ندارد، چون صحیحه حریز ذبح تا آخر ذی الحجة را تجویز کرده است.

ایشان روایاتی که اضحی به منی را چهار روز می داند با روایاتی که آن را سه روز می داند، متعارض می داند و فرموده عرفا بر اضحیه مستحبه حمل می شود، چون در صحیحه مسلم آمده: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ فَضَالَةَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع فِي حَدِيثٍ قَالَ وَ قَالَ: إِذَا وَجَدَ الرَّجُلُ هَدْياً ضَالًّا فَلْيُعَرِّفْهُ يَوْمَ النَّحْرِ وَ الثَّانِيَ وَ الثَّالِثَ- ثُمَّ لْيَذْبَحْهَا عَنْ صَاحِبِهَا عَشِيَّةَ الثَّالِثِ.[[1]](#footnote-1)

عصر روز سوم، عصر روز دوازدهم است و روایت فرموده باید هدی ضال را در این زمان ذبح کند و از این معلوم می شود که وقت در حال انقضاء است، و گرنه تکلیفا اگر روز سیزدهم هم وقت ذبح باقی بود، نمی­فرمود عصر روز دوازدهم باید ذبح شود.

#### مناقشه

به نظر ما دلالت صحیحه محمد بن مسلم بر وجوب مبادرت به ذبح قبل از انقضاء روز دوازدهم، قابل انکار نیست، اما ما دنبال جمع عرفی این صحیحه با روایاتی که می گوید الاضحی بمنی اربعة ایام هستیم، آیا جمع عرفی مقتضی قول به تعدد مراتب وجوب است، یا قول به تعدد مراتب فضل؟

اگر خطابی بگوید ان فعلت کذا، فصم یوما قبل انقضاء الاسبوع و خطاب دیگر بگوید ان فعلت ذلک فصم یوما قبل انقضاء الشهر، به نظر ما عرف خطاب اول را بر افضلیت حمل می کند، نه این که بگوید اگر می­توانی، باید قبل انقضاء هفته روزه بگیری، و گرنه قبل انقضاء ماه روزه بگیر، زیرا جمع دوم عرفی نیست.

اگر ایشان الاضحی بمنی اربعة ایام را بر قربانی مستحب حمل می کند، ولو از این جهت که صحیحه محمد بن مسلم اخص است، جواب این است که قدر متیقن از الاضحی بمنی اربعة ایام، همان هدی واجب است و اباء از تخصیص دارد.

اشکال دیگر ما این است که به چه دلیل می فرماید وضعا ذبح تا آخر ذی الحجة حتی عمدا مجزی است؟ صحیحه حریز که چنین تجویزی کرده، مربوط به کسی است که پول قربانی را دارد، اما قربانی نمی یابد ولی شامل عامد عالمی که عمدا ذبح را تاخیر انداخته نمی شود.

کما این که لزوم در منی بودن ذبح تا آخر ذی الحجة برای تارک از روی علم و عمد، دلیلی ندارد، بلکه صحیحه حریز می گوید پول را نزد اهل مکه بگذارد تا برایش قربانی بخرند و ذبح کنند و ظاهرش این است که در مکه ذبح کنند، و در روایت نضر بن قرواش نیز آمده: یذبحه بمکة.

#### بررسی سندی معتبره ابی بصیر

ان ایام الذبح قد مضت، دو سند دارد، یکی همان سند معروف است که قبلا مطرح کردیم، سند دوم، سندی است که در آن عبیس واقع شده است و قبلا گفتیم سند دوم غیر معتبر است، اما اشتباه است، زیرا عبیس، عباس بن هشام است که نجاشی او را توثیق کرده است و بعد از آن نیز کرّام واقع شده که همان عبد الکریم بن عمرو است.

مرحوم تبریزی فرموده این ها دو روایت است، اما به نظر ما این ناتمام است، بلکه یک روایت است، فقط در روایت عبیس یک جمله اضافه شده است و آن کلمه «و لم یصم ثلاثة ایام» است، ولی این که سبب تعدد روایت نمی شود، روزه نگرفتن آن سه روز نیز قطعا در حکم تاثیری ندارد، زیرا کسی که آن سه روز قبل ایام تشریق را روزه نگرفته و بعد ایام تشریق پول قربانی می یابد، گفته می شود ایام ذبح گذشته و باید روزه بگیرد، و کسی که سه روز را قبلا روزه گرفته، به طریق اولی عرفی به او گفته می شود ان ایام الذبح قد مضت، کما این که همین عبارت نیز عموم دارد و شامل این شخص نیز می شود.

### بررسی کلام محق خویی در نسیان ذبح قبل از طواف

در مساله 382 گفتیم ما قبول نداریم که ذبح در خصوص یوم العید واجب باشد، بلکه تا آخر ایام تشریق زمان ذبح باقی است

محقق خوئی فرموده اگر کسی ذبح را فراموش کند و طواف کند، طواف او صحیح است و فقط ذبح در منی را انجام می دهد و دلیل آن اطلاق صحیحه جمیل است: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ‌ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَزُورُ الْبَيْتَ- قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ قَالَ لَا يَنْبَغِي إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاسِياً- ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَتَاهُ أُنَاسٌ يَوْمَ النَّحْرِ- فَقَالَ بَعْضُهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أَذْبَحَ- وَ قَالَ بَعْضُهُمْ حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أَرْمِيَ- فَلَمْ يَتْرُكُوا شَيْئاً كَانَ يَنْبَغِي أَنْ يُؤَخِّرُوهُ- إِلَّا قَدَّمُوهُ فَقَالَ لَا حَرَجَ.[[2]](#footnote-2)

در خصوص نسیان ذبح قبل از طواف که صحیحه معاویة بن عمار صراحت دارد: وَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَذْبَحَ بِمِنًى حَتَّى زَارَ الْبَيْتَ- فَاشْتَرَى بِمَكَّةَ ثُمَّ ذَبَحَ قَالَ لَا بَأْسَ قَدْ أَجْزَأَ عَنْهُ.[[3]](#footnote-3)

البته در این صحیحه نیامده که ذبح بعد از طواف از روی نسیان بوده، بلکه فرموده نسیان ذبح به منی قبل از طواف بوده است، این روایت دلالت ندارد که شراء هدی در مکه و ذبح در مکه نیز از روی نسیان بوده است و لذا گفته می شود این روایت اصلا مفادش این است که ذبح در مکه مجزی است، و منافات ندارد که تکلیفا ذبح در منی واجب باشد، اما اگر کسی در مکه ذبح نمود، ذبحش مجزی باشد و گفته می شود واجب اولی، ذبح در منی است ولی اگر کسی ترک این واجب کرد و در مکه ذبح کرد، ذبح او مجزی است، زیرا قید عن نسیان در این جا نیامده است، البته به شرط این که نسیان تا زمان طواف ادامه داشته باشد و نسیان او بعد از طواف مرتفع شود.

شبیه این که در روایت آمده کسی که حلق راس در مکه کند، مجزی است و آیت الله سیستانی نیز فرموده کسی که عمدا در منی حلق نکند و در مکه حلق کند، حلق او مجزی است، گرچه بر خلاف تکلیف و وظیفه عمل کرده است.

ولی برخی از متاخرین جواب داده اند که در روایت نیامده فاشتری بمکة فذبح بها، بلکه گفته فاشتری بمکة فذبح، و مقصود ذبح با شرایط خاص خودش در منی است و این که در فقه الرضا فذبح بها آمده، مشکل را حل نمی کند، زیرا این روایت اعتبار ندارد.

البته این جواب صحیح نیست، زیرا ظاهر روایت این است که در مکه ذبح کرده است، بلکه جواب یا این است که بگوییم ظاهر انصرافی روایت این است که اشتراء به مکه و ذبح در مکه نیز از روی نسیان بوده است و یا این که اطلاق این روایت تقیید به روایاتی که می گوید محل ذبح در ایام تشریق در منی است، می­خورد و سبب می شود که صحیحه معاویة بن عمار را به بعد از ایام تشریق حمل کنیم.

و بر فرض هم که نسبت عموم من وجه داشته باشد، به اطلاقاتی رجوع می شود که محل نحر را منی می داند.

## (مسألة 383): وجوب مستقلی هدی بر هر شخص

**لا يجزئ هدي واحد إلا عن شخص واحد**.[[4]](#footnote-4)

ظاهر المتمتع علیه الهدی، هدی مستقل است و روایات خاصه ای هم بر این مطلب دلالت دارد:

### روایات داله

صحیحه محمد بن مسلم: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: لَا تَجُوزُ (الْبَدَنَةُ وَ) الْبَقَرَةُ إِلَّا عَنْ وَاحِدٍ بِمِنًى.[[5]](#footnote-5)

صحیحه حلبی: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ النَّخَعِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تُجْزِئُ الْبَقَرَةُ أَوِ الْبَدَنَةُ فِي الْأَمْصَارِ عَنْ سَبْعَةٍ- وَ لَا تُجْزِئُ بِمِنًى إِلَّا عَنْ وَاحِدٍ.[[6]](#footnote-6)

### قول به اجزاء یک هدی از هفت نفر

اما برخی از بزرگان مثل سلار و ابن حمزة و شیخ طوسی و شیخ مفید گفته اند در فرض ضرورت، مثل عدم وجود پول کافی یا کم یاب بودن قربانی، ذبح یک هدی از هفت نفر مجزی است.

محقق خوئی فرموده برخی قائل به اجزاء ذبح هدی واحد از چند نفر شده است و بعد روایات را مطرح می کند، ولی توجه نکرده که محل بحث، فرض اضطرار است، در حالی که توجه به این نکته، در بحث تاثیر گذار است.

اما مشهور فقهاء این استثناء را نپذیرفته اند.

1. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 137؛ 28 باب أن من وجد هديا ضالا وجب عليه تعريفه عشية الثالث فإن لم يجد صاحبه لزمه أن يذبحه عنه و يجزئ عن صاحبه إن ذبح عنه بمنى لا بغيرها ؛ ج 14، ص : 137](http://lib.eshia.ir/11025/14/137) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 156؛ 39 باب وجوب الابتداء بالرمي ثم بالذبح ثم الحلق فإن خالف ناسيا أو جاهلا أو عامدا أجزأه ؛ ج 14، ص : 155](http://lib.eshia.ir/11025/14/156) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 156؛ 39 باب وجوب الابتداء بالرمي ثم بالذبح ثم الحلق فإن خالف ناسيا أو جاهلا أو عامدا أجزأه ؛ ج 14، ص : 155](http://lib.eshia.ir/11025/14/156) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 170‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/167) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 117؛ 18 باب أنه لا يجزئ الهدي الواحد في الواجب إلا عن واحد و يجزئ في المندوب كالأضحية عن خمسة و عن سبعة و عن سبعين و يستحب قلة الشركاء فيه ؛ ج 14، ص : 117](http://lib.eshia.ir/11025/14/117) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 118؛ 18 باب أنه لا يجزئ الهدي الواحد في الواجب إلا عن واحد و يجزئ في المندوب كالأضحية عن خمسة و عن سبعة و عن سبعين و يستحب قلة الشركاء فيه ؛ ج 14، ص : 117](http://lib.eshia.ir/11025/14/118) [↑](#footnote-ref-6)